

دانشگاه تربیت مدرس  
دانشکده علوم انسانی  
پایان نامه دکتری در رشته اقتصاد

موضوع :

بررسی تاثیر کنترل سطح عمومی قیمتها بر اقتصاد ایران در خلال جنگ تحمیلی  
(۷-۱۳۵۹)

نگارش: محمد حسین حسینی صدر آبادی  
استاد راهنما: دکتر مرتضی قره باغیان  
سال تحصیلی: زمستان ۱۳۷۳

فهرست مطالب

فصل ۱:

کلیات

- ۱-۱: بیان مساله , اهداف و فرضیات
- ۲-۱: روش تحقیق
- ۳-۱: مشکلات و محدودیتهای تحقیق
- ۴-۱: دیدگاههای مختلف در زمینه دخالت دولت در امر قیمت گذاری
  - ۱-۴-۱: کنترل قیمت در اقتصاد سرمایه داری پیشرفته
  - ۲-۴-۱: کنترل قیمت در نظام سوسیالیستی
  - ۳-۴-۱: کنترل قیمت در نظامهای اقتصادی مختلط
  - ۳-۴-۱: کنترل قیمت در نظام اقتصادی اسلام

فصل ۲:

سیاستهای کنترل قیمت و مهار تورم

- ۲-۱: مقدمه
- ۲-۲: سیاستهای تثبیت قیمت از دیدگاه خرد اقتصادی
  - ۱-۲-۲: سیاست سقف قیمت
  - ۱-۱-۲-۲: سیاست سقف قیمت در بازار رقابتی

- ۲-۱-۲-۲ : سیاست سقف قیمت در شرایط انحصاری
- ۲-۲-۲ : سیاست کف قیمت ( تضمین قیمتها )
- ۳-۲-۲ : سیاست قیمت حمایتی ( تثبیت قیمتها )
- ۴-۲-۲ : جیره بندی کالاهای اساسی و تقاضا
- ۳-۲ : سیاستهای مهار و کنترل تورم از دیدگاه کلان اقتصادی
  - ۱-۳-۲ : مکتب پولی ومهار تورم
  - ۲-۳-۲ : مکتب کینزی و مهار تورم
  - ۳-۳-۲ : نظریه فشار هزینه و مهار تورم
  - ۴-۳-۲ : ساخت گرایان و مهار تورم
  - ۵-۳-۲ : نتیجه گیری

### فصل ۳ :

سیر قیمتها و علل تورم طی سالهای ۶۷-۱۳۵۰

- ۱-۳ : مقدمه
- ۲-۳ : سیر تحول قیمتهدار ایران
  - ۱-۲-۳ : روند قیمتهدار قبل از انقلاب اسلامی
  - ۲-۲-۳ : روند قیمتها پس از انقلاب اسلامی
  - ۳-۳ : علل تورم در ایران
    - ۱-۳-۳ : علل پولی تورم در ایران
    - ۲-۳-۳ : تورم ناشی از فشار تقاضا
    - ۱-۲-۳-۳ : مخارج مصرفی
    - ۲-۲-۳-۳ : مخارج سرمایه گذاری
    - ۳-۲-۳-۳ : مخارج دولت
    - ۳-۳-۳ : تورم ناشی از فشار هزینه
    - ۴-۳-۳ : علل روانی تورم در ایران
    - ۵-۳-۳ : تحریم اقتصادی و تورم
    - ۶-۳-۳ : جنگ تحمیلی و تورم
- ۴-۳ : نتیجه گیری

### فصل ۴ :

سیاستهای مهار و کنترل تورم در ایران

- ۱-۴ : مقدمه
- ۲-۴ : سیاستهای کنترل غیرمستقیم قیمتها ومهار تورم

- ۴-۲-۱ : سیاست مالی و بودجه و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها
- ۴-۲-۲ : سیاست پولی و اعتباری و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها
- ۴-۲-۳ : سیاست ارزی و کنترل سطح عمومی قیمت‌ها
- ۴-۲-۴ : نتیجه‌گیری
- ۴-۳ : سیاست‌های کنترل مستقیم قیمت‌ها و مهار تورم
- ۴-۳-۱ : قیمت‌گذاری و کنترل قیمت‌ها
- ۴-۳-۱-۱ : قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و تحول آن در دوران قبل از انقلاب اسلامی
- ۴-۳-۱-۲ : قیمت‌گذاری و کنترل قیمت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴-۳-۲ : تثبیت قیمت‌ها، پرداخت سوبسید
- ۴-۴ : تشکیل ستاد بسیج اقتصادی، طرح توزیع عادلانه و سهمیه بندی کالاها
- ۴-۵ : طرح تعزیرات حکومتی
- ۴-۶ : سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها و تولید و اشتغال
- ۴-۶-۱ : سیاست تثبیت قیمت‌ها و بخش کشاورزی
- ۴-۶-۲ : سیاست تثبیت قیمت‌ها و بخش صنعت
- ۴-۷ : سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها و کنترل تورم
- ۴-۸ : سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها و توزیع در آمد

## فصل ۵ :

مروری بر مطالعات انجام شده و معرفی مدل

- ۵-۱ : مقدمه
- ۵-۲ : تجربه کشورها در امر قیمت‌گذاری
- ۵-۲-۱ : تجربه کشورهای سرمایه داری
- ۵-۲-۲ : تجربه کشورهای سوسیالیستی
- ۵-۲-۳ : تجربه کشورهای در حال توسعه
- ۵-۳ : مدل هلپمن
- ۵-۴ : مدل بارو - گراسمن

## فصل ۶ :

ارزیابی کمی تاثیر کنترل سطح عمومی قیمت‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی ( ۱۹۲-۱۸۳ )

۱-۶ : مقدمه

۲-۶ : برآورد اقتصاد سنجی مدل

۳-۶ : تحلیل نتایج

## فصل ۷:

نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۷ : خلاصه و نتیجه گیری

۲-۷ : پیشنهادات

ضمائم

منابع و مأخذ

## چکیده :

مساله قيمتها و تغييرات آن از ديرباز به عنوان يکي از مسائل مهم اقتصادي ، مطرح بوده است . تغييرات قيمتها بويژه در زمينه افزايش بخشي از واقعيت اقتصادي کشورهاي در حال توسعه، از جمله ايران را تشکيل مي دهد.

روند افزايشي قيمتها در زمان جنگ تشديد مي گردد. زيرا ، بخشي از امکانات و ظرفيتهاي توليدي کشور در خلال جنگ آسيب ديده و يا تخریب مي گردد. بخش قابل توجهي از امکانات توليدي کشور نيز به جای توليد کالاها و خدمات مصرفي ، در خدمت تدارک و تأمين نيازهاي جنگي به کار گرفته مي شود. و به اين ترتيب عرضه اقتصاد کاهش مي يابد. با وقوع جنگ ، تقاضاي دولت در بخش عمومي گسترش مي يابد و در بخش خصوصي نيز تقاضاهای کاذب ، ميل به نگهداري کالا به جای پول ، احتکار و امتناع از عرضه کالاها در اثر عدم اطمینان به آینده عدم تعادل بين عرضه و تقاضاي اقتصاد را تشديد نموده و قيمتها به نحو چشمگیری افزايش مي يابد.

درچنين شرايطي بيم آن مي رود که بخش وسيعي از مردم، به ويژه اقشار کم درآمد جامعه ، نتوانند به اساسي ترين و ضروري ترين کالاهای مورد نيازشان دست يابند. اين موضوع خطري جدی و تهديد کننده برای جامعه محسوب مي شود . از اين رو در شرايط جنگي دولتها در امر توزيع کالاها مداخله نموده و با تثبيت قيمت و توزيع جيره بندي شده آن مايحتاج عمومي را از دامنه فعاليت محترکان خارج ساخته و امکان مصرف آن را برای عموم فراهم مي سازند. از مطالب فوق مي توان ضرورت کنترل قيمتها را در زمان جنگ ، همانگونه که در خلال سالهاي جنگ تحميلي عراق عليه ايران نيز اعمال گرديد ، دريافت.

با شروع جنگ تحميلي به منظور جلوگیری از ذخيره سازي واحتکار کالاهای اساسي و دسترسي همگان به حداقل اين کالاها به قيمت رسمي و باتوجه به خطري که ممکن بود از لحاظ کمبود کالاهای اساسي يا افزايش سريع قيمت آن کالاها برای مردم پيش آيد ، طرح توزيع عادلانه و سهميه بندي کالاهای اساسي توسط ستاد بسيج اقتصادي کشور و نيز پرداخت سوبسيد به برخي از کالاها جهت تثبيت قيمت آنها به اجرا درآمد. کنترل قيمتها در خلال سالهاي جنگ تحميلي با عنايت به طيف وسيع کالاها و خدمات مشمول کنترل ، اساساً " کنترل سطح عمومي قيمتها بوده است.

در رساله حاضر تاثير کنترل سطح عمومي قيمتها بر متغيرهاي کلان اقتصادي نظير توليد ، اشتغال ، تورم وتوزيع درآمد طی سالهاي جنگ تحميلي به پشتوانه اطلاعات و آمار موجود و با استفاده از " مدل تعادل عمومي تورم سرکوب شده " بارو – گراسمن " و انجام برخي تعديلات، مورد سنجش کمی قرار گرفت . از برآورد اقتصاد سنجي مدل مزبور نتايج زیر حاصل گرديد :

- کنترل سطح عمومي قيمتها در کاهش نرخ تورم موفق بوده است.
- کنترل سطح عمومي قيمتها بر سطح توليد ملی اثر منفي بر جای گذاشته است و ميزان اشتغال را نيز کاهش داده است.

- کنترل سطح عمومی قیمت‌ها اثر مثبتی بر توزیع درآمد گذاشته است و از میزان نابرابری آن کاسته است.